

تحلیلی بر تأثیرات متقابل فضایی کلانشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی پیرامون با تأکید بر مهاجرت معکوس و عوامل تأثیرگذار بر آن^۱

چکیده

مشکلات و معضلات فراوان موجود در کلانشهرها، اعم از گرانی زمین و مسکن، فشارهای روحی و روانی، آلودگی بیش از حد هوا، به عنوان عوامل دافعه و در مقابل ارزانی زمین و مسکن، پاکیزگی هوا، نبود مشکلات شهری و... در مناطق روستایی به عنوان عوامل جاذبه عمل کرده و شهر نشینان را به صورت خود جوش به سکونت در روستاهای پیرامون سوق می‌دهند. گاه شدت این تحرک و جابجایی فضایی جمعیت (مهاجرت معکوس) به گونه‌ای است که برخی از این روستاها با تغییر کارکرد، به صورت روستاهای خوابگاهی خودنمایی می‌کنند. بررسی چگونگی و چرایی این تحرک و جابجایی بین کلانشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی و عوامل تأثیرگذار بر آن، هدف این نوشتار را تشکیل می‌دهد و فرض بر این است که در این امر، عواملی چون: نزدیکی به شهر و وجود امکانات ارتباطی مناسب، امکان تامین زمین و مسکن ارزان در روستا، نوع شغل و محل اشتغال مهاجران، تأثیر گذار باشند. پژوهش حاضر از نوع کاربردی، روش بررسی توصیفی- تحلیلی و شالوده مطالعه مبتنی بر عملیات میدانی (مشاهده مستقیم، تکمیل پرسشنامه‌های مختلف) است. نتایج مطالعه ضمن تصریح بر وجود ارتباط تنگاتنگ و بسیار نزدیک بین کلانشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی مورد مطالعه، در شکل‌گیری

۱ این مقاله مستخرج از گزارش نهایی طرح پژوهشی: تحقیقی پیرامون آبادی‌های خوابگاهی حوزه نفوذ کلانشهر تبریز است که از محل اعتبارات پژوهشی دانشگاه تبریز اجرا گردیده است.

مهاجرت معکوس نیز، درمقایسه با دیگر عوامل بر تأثیرگذاری بیشتر عوامل: "تامین زمین و مسکن ارزان در روستا" و "نزدیکی به محل کار و فعالیت" را تأیید کرد.

واژه‌های کلیدی: کلانشهر تبریز، روستاهای خوابگاهی، روابط متقابل شهر و روستا، مهاجرت معکوس

۱- مقدمه

به طور کلی، وجود تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی بین کلانشهرها با نواحی پیرامونی و نقاط روستایی واقع در حوزه نفوذ آنها، به تدریج به تغییراتی در ساختارهای جمعیتی، کارکردی، اقتصادی و نیز کالبدی جوامع و عرصه‌های روستایی منجر می‌گردد. کلانشهر تبریز از این قاعده مستثنی نبوده و می‌رود تا تأثیرات عمیقی در ابعاد گوناگون در برخی از روستاهای پیرامونی خود داشته باشد. یکی از پدیده‌های جدیدی که در خصوص ارتباط متقابل کلانشهر تبریز و روستاهای پیرامونی و بالاخص روستاهای خوابگاهی آن مطرح است تحرک مکانی جمعیت به صورت معکوس و مهاجرت شهری- روستایی است. بدیهی است که در چنین تحرکی عوامل دافعه و جاذبه موجود در مبدا و مقصد و بی هیچ شبهه‌ای توسعه شبکه‌ها و نیز رشد فزاینده وسایل مکانیزه حمل و نقل می‌تواند بسیار نقش آفرین باشد. چرا که "توسعه سیستم‌های حمل و نقل و ارتباطی جدید به مردم اجازه زندگی در مکانی خیلی دورتر از محل کار و حتی انجام کار در فاصله دورتر را می‌دهد. این امر مردم را قادر می‌سازد تا خارج از محدوده‌های شهری زندگی کرده و از مشکلات تراکم نظیر آلودگی و کمبود فضای بازدوری جویند" (لوکاس، ۱۳۸۱، ۱۶۶).

شایان ذکر است مهاجرت‌های شهر-روستا (مهاجرت معکوس) و رشد بی رویه و غیر قابل کنترل جمعیت در روستاهای خوابگاهی کلانشهر تبریز خواه ناخواه عواقب و آثاری برجای خواهد گذاشت که موجب بسیاری از دشواری‌ها و تنگناهای اقتصادی و اجتماعی

تحلیلی بر تأثیرات متقابل فضایی کلانشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی پیرامون با تأکید بر ... / ۱۷۱

خواهد بود و در صورت عدم برنامه ریزی و نیز عدم انجام اقدامات پیشگیرانه، این گونه روستاها، همانند مناطق حاشیه‌نشین فعلی تبریز، با مسایل و مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهند شد. رواج سوداگری زمین، عدم تأمین امکانات خدماتی اعم از آموزشی، فرهنگی و بهداشتی و عدم مکانیابی صحیح برای اسکان مهاجران (درون کوچان) از جمله مسایل و مشکلات اینگونه روستاها بشمار می‌روند.

هدف اصلی مقاله حاضر، تحلیل تأثیرات متقابل فضایی کلانشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی با تأکید بر مهاجرت معکوس و عوامل تأثیر گذار بر آن بوده و فرض بر این است که در این امر، عواملی چون: نزدیکی به شهر و وجود امکانات ارتباطی مناسب، امکان تأمین زمین و مسکن ارزان در روستا، نوع شغل و محل اشتغال مهاجران تأثیر گذار باشند.

۲- سابقه علمی تحقیق :

نظر بر اینکه شکل‌گیری آبادی‌های خوابگاهی و یا به طور کلی، تغییر کارکرد تدریجی سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهرها به کارکردهای دیگر، ارتباط تنگاتنگی با نواحی شهری دارد، لذا مطالعات صورت گرفته در این زمینه، نه به صورت مجرد، بلکه در قالب روابط متقابل عملکردی شهر و روستا انجام پذیرفته است و بر این اساس، در برخی از مطالعات صورت گرفته، جسته و گریخته به موضوع مهاجرت معکوس و در نهایت تغییرات کارکردی سکونتگاه‌های واقع در پیرامون شهرها و از آن جمله آبادی‌های خوابگاهی^۲ پرداخته شده است. از جمله این مطالعات - که نتایج آنها به صورت مقالاتی منتشر شده است - می‌توان به مقالاتی چون: «گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش

2-Dormitory settlement

آبادی بزرگ زیستگاهی درفاصله آمدو فت روزانه یک ناحیه شهری که به عنوان زیستگاهی برای مردم که در جای دیگری کار می‌کنند (سیف‌الدینی، ۱۳۷۸ : ۱۳۸).

شهرک‌های اقماری» (نظریان، ۱۳۷۰، ۱۳۹-۹۷) و «توسعه تهران، دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف» (رهنمایی، ۱۳۶۹، ۵۳-۲۴) اشاره نمود که بر تأثیر بی چون و چرای گسترش فضای فیزیکی و نیروی انسانی شهر تهران در روستاهای حوزه نفوذ تأکید دارند. مقاله دیگر در این زمینه با عنوان «گسترش فیزیکی- کالبدی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر افزایش جمعیت و تغییر کاربری اراضی» (نظری، ۱۳۷۷، ۲۴۱-۲۵۵)، به این نکته اشاره دارد که هرچند روند شتابان شهرنشینی و پیامدهای مختلف آن به ویژه گسترش فیزیکی شهرها و بلعیدن اراضی زراعی پیرامون با عنایت به پدیده مهاجرت‌های روستایی در سطح کلان ملی از اهمیت والایی برخوردار است، لیکن نباید از اهمیت این مسأله در نقاط روستایی غافل بود. مقاله «سیر تحول روابط شهروروستا در ایران» (نظریان، ۱۳۶۴، ۲۸۳-۲۶۷) به مسأله و مشکلات حاصل از حرکت انفجاری رو به افزایش شهرنشینی اشاره دارد و بر تأثیرگذاری شهرها بر سرزمین‌ها و آبادی‌های اطراف خود تأکید می‌کند. «دگرگونی روستاهای حاشیه شهرهای جدید صنعتی»، (سلیمانی، ۱۳۸۱، ۱۵۰-۱۲۷) مقاله دیگری است که بر این موضوع اشاره دارد که تجمع واحدهای صنعتی در نزدیکی یا در حوزه نفوذ شهرها و مجتمع‌های زیستی موجود، همواره دگرگونی‌های اقتصادی- اجتماعی و تغییرات کالبدی- فضایی و زیست محیطی در مقیاس محلی و منطقه‌ای به دنبال داشته است. مقاله «شهرگرایی روستا و معیارهای تفکیک آن از شهر» (فشارکی، ۱۳۶۴، ۲۹۹-۲۸۳) به تغییرات گسترده در روش و عادات مربوط به کار و زندگی روستا نشینان اشاره دارد و بیانگر این است که این تغییرات تمایز بین جوامع روستایی و شهری را بیش از پیش با ابهام و تیرگی مواجه ساخته است.

۳- چهارچوب نظری تحقیق:

هر چند شکل مسلط مهاجرت‌های داخلی، عمدتاً مهاجرت روستا - شهری است، لذا در سال‌های اخیر نتایج سرشماری‌های برخی از کشورها، به ظهور روند جدید مهاجرت داخلی که عمدتاً با عنوان برگشت جمعیت یا جریان ضد شهر نشینی^۳ نامیده می‌شود، اشاره داشته‌اند (بری^۴، ۱۹۷۹، ۱۷). برای مثال، در ایالات متحده امریکا که از بالاترین درصد شهرنشینی و تحرک جمعیتی (شهر به شهر و یا از شهر به روستا) برخوردار است، خانوارها هر پنج سال یکبار تغییر مکان می‌دهند به گونه‌ای که طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۹ بالغ بر ۴۳/۰ میلیون نفر در این کشور جابه‌جا شده‌اند (تومرتکین^۵، ۲۰۰۴، ۲۵۹، 2004, 259). بری جریان ضد شهرنشینی را به عنوان "فرایند عدم تمرکز، حرکت از یک وضعیت متمرکز تر به یک وضعیت کم تمرکز" تعریف می‌کند. موضوع مذکور عموماً به عنوان مهاجرت شهر به روستا درک می‌شود. دلایل این امر از رشد آهسته یا حتی کاهش جمعیت‌ها در مراکز عمده ابرشهری به همراه رشد سریعتر جمعیت در شهرهای کوچکتر یا مناطق روستایی مهیا می‌شوند. از عنوان برگشت جمعیت یا جریان ضد شهرنشینی با عنوان مهاجرت‌های معکوس نیز نام برده می‌شود، این نوع مهاجرت یعنی مهاجرت از شهر به روستا شامل، کارشناسان و کارمندان دائم و افرادی می‌گردد که به علت مشکلات فراوان شهری اقدام به چنین مهاجرت‌هایی می‌کنند. (لوکاس، ۱۳۸۱، ۱۶۶-۱۶۵).

این پدیده جمعیتی، پدیده‌ای است نو و در راستای تعدیل ساختارهای جمعیتی، که خود احتمالاً موجب پا گرفتن مطلوب زیرساخت‌ها در نواحی روستایی خواهد شد (جوان، ۱۳۸۰، ۳۲۳). مقایسه وضعیت تعدادی از کشورها نشان می‌دهد که این حرکت با سازمان دهی مجدد در نیروی کار، کاهش در صنایع سنگین و جابه‌جایی صنایع تولیدی و

3 Counter - Urbanization

4 - Berry

5 - Tumertekin

خدماتی دیگر به علت درجه بالای تحرک آنها ارتباط دارد (شامپیون^۶، ۱۹۸۹، ۷۸). در استرالیا؛ جایی که سرشماری ۱۹۷۶ اولین دلیل روشن برای جریان ضد شهر نشینی را مهیا کرد، مراکز کوچکتر دارای رشد سریع جدیدالوقوع غالباً مناطق ساحلی نزدیک سیدنی و ملبورن یا شهرهای داخلی نسبتاً نزدیک به این شهرها هستند (هوگو^۷، ۱۹۸۹، ۶۶).

به طور کلی، مهاجرت معکوس و یا جریان ضد شهر نشینی را می‌توان حالتی از حالات شهرگرایی نواحی روستایی قلمداد کرد، چرا که شهرگرایی حومه‌ها و نواحی روستایی فرایندی اجتماعی است که شامل گسترش ایده‌ها و شیوه‌های زندگی شهری در نواحی روستایی است و مشخص‌ترین حالت آن، حرکت جمعیت از شهرها به نواحی روستایی است (پاسیون^۸، ۱۹۸۵، ۱۸۳). شایان ذکر است برخی از روستاها از نقطه نظر شهرگرایی، به تدریج عنوان فضای توریستی و خوابگاهی به خود می‌گیرند و برای شهریانی که روستاهای پیرامون شهرها را به منظور گذران اوقات فراغت از کار یا محل سکونت و خوابگاه انتخاب می‌نمایند، نقش ایفا می‌کند که بدان روستا نشینی شهری^۹ اطلاق می‌شود؛ به این معنی که برای آن عده از جمعیت فعالی که در شهرها کار می‌کنند و به سکونت در روستاها تمایل دارند، فرصت مناسبی ایجاد شده است (فرید، ۱۳۷۹، ۳۷۵). و در نهایت "حرکت از شهر به روستا می‌تواند به علت دوری جستن مردم از کثافات شهر، از ظلم و تعدی شهر و از فشارهای نژادی و مذهبی آن باشد و به طور کلی، مردم را از مشکلات بزرگتر مراکز شهری به دنیای قابل اداره‌تر حاشیه سوق دهد" (پای^{۱۰}، ۱۹۶۵، ۷۵).

6 - Champion
7 - Hugo
8 - Pacion
9 Rurbanization
10 - PAIII

۴- روش تحقیق:

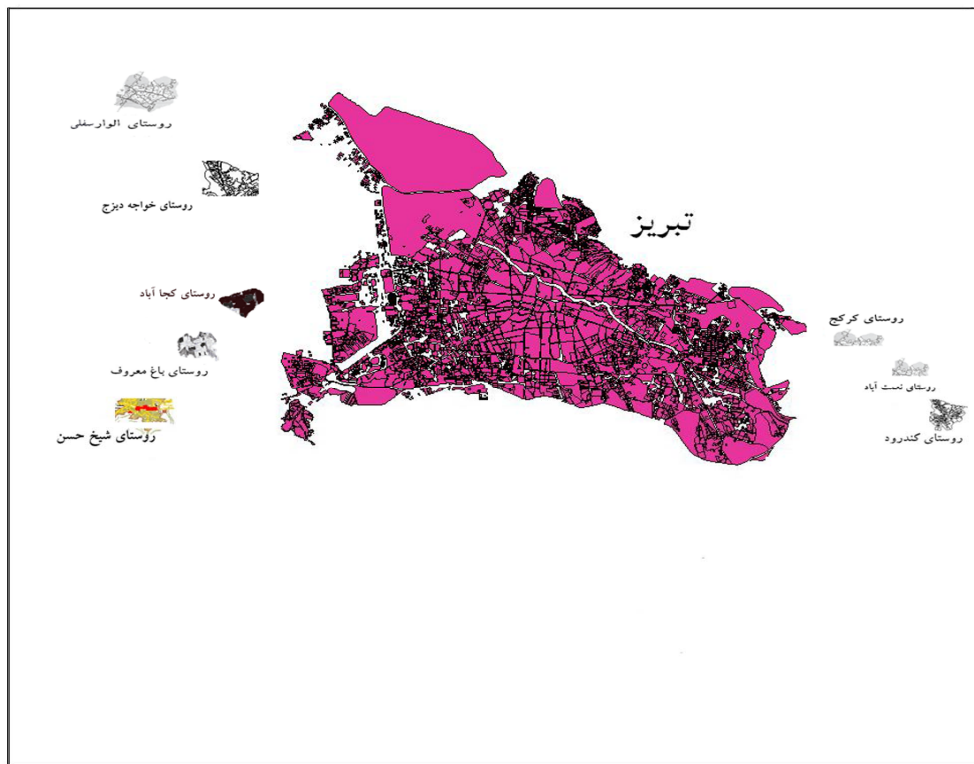
تحقیق حاضر از نوع تحقیق کاربردی، روش بررسی آن توصیفی- تحلیلی و شالوده مطالعه مبتنی بر عملیات میدانی (مشاهده مستقیم، تکمیل پرسشنامه‌های مختلف، مصاحبه با اعضای شورا و ریش سفیدان روستا) است. جامعه آماری مطالعه را هشت روستا، از روستاهای خوابگاهی کلانشهر تبریز تشکیل می‌دهند که به لحاظ موقعیت جغرافیایی، روستاهای کرکج، نعمت آباد و کندرود در شرق، باغ معروف، خواجه دیزج و کجاآباد در غرب، الوارسفلی در شمال غرب و شیخ حسن در جنوب غرب آن واقع شده‌اند (شکل شماره ۱) روستاهای مزبور، با استناد به نتایج سرشماری‌های مختلف نفوس و مسکن، از میان آن تعداد از روستاهایی که در مقایسه با دیگر روستاها از افزایش جمعیت و نیز مهاجرپذیری درخور توجهی برخوردار بودند، انتخاب شده‌اند، در خصوص نمونه آماری و شیوه نمونه گیری نیز باید گفت که از مجموع ۲۸۶۶ خانوار مهاجر ساکن در روستای مورد مطالعه (سال ۱۳۸۴) بر اساس فرمول کوکران ۲۵۳ خانوار انتخاب و مورد مطالعه قرار می‌گیرند. خانوارهای نمونه با استفاده از شیوه نمونه گیری تصادفی سیستماتیک و با توجه به اهداف مطالعه، عمدتاً از بخش‌هایی که در سال‌های اخیر توسعه یافته‌اند، انتخاب می‌گردند؛ چرا که مطالعات مقدماتی نشان داد که مهاجران^{۱۱} اغلب در حواشی و بیرون از بافت قدیمی روستاها اسکان یافته‌اند.

- مشخصات عمومی منطقه مورد مطالعه:

منطقه مورد مطالعه در استان آذربایجان شرقی و در شهرستان تبریز قرار گرفته است. این شهرستان با وسعتی حدود ۴۳۴۵ کیلومتر مربع در بخش میانی استان واقع شده است. شهر تبریز به عنوان مرکز استان و شهرستان و نیز به عنوان بزرگترین کلانشهر شمال غرب ایران با وسعتی حدود ۱۳۱ کیلومتر مربع در موقعیت جغرافیایی ۲۳' / ۴۶° و

۱۱ در مقاله حاضر منظور از واژه "مهاجران"، "مهاجران به روستا" است.

۱۱' / ۴۶° طول شرقی و ۹' / ۳۸° و ۱' / ۳۸° عرض شمالی با ارتفاع متوسط حدود ۱۳۴۰ متر از سطح دریا در جلگه‌ای به همین نام استقرار یافته است. روستای مورد مطالعه، به فاصله حداقل ۵ و حداکثر ۱۵ کیلومتری و در جهات مختلف جغرافیایی کلانشهر تبریز قرار گرفته‌اند.



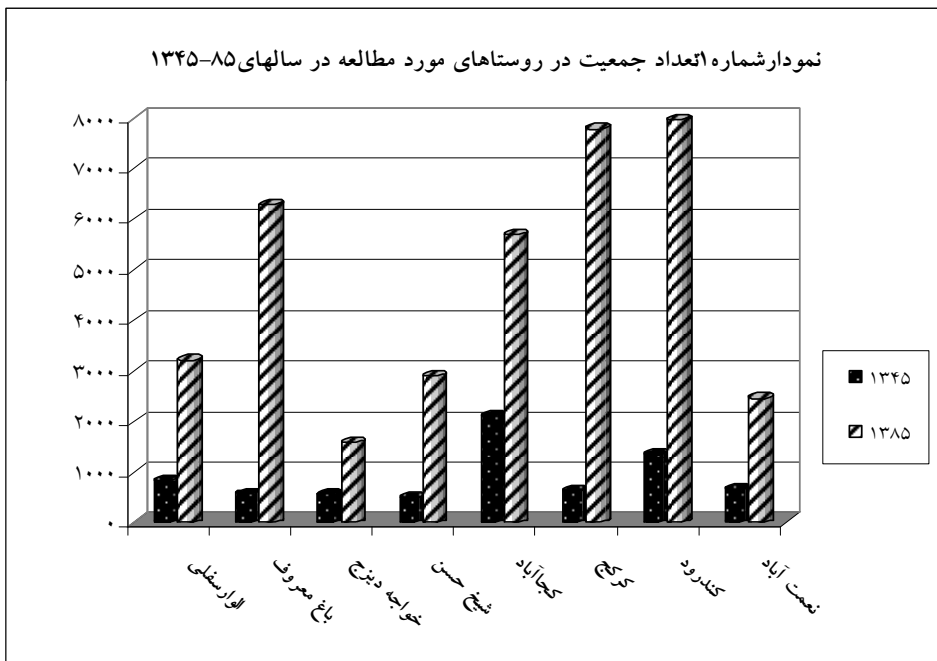
شکل ۱: موقعیت منطقه مورد مطالعه

۵- بحث:

نتایج حاصل از مطالعات نشان می‌دهد که جمعیت ساکن در روستاهای مورد مطالعه پیوسته از روند صعودی برخوردار بوده است؛ به طوری که طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۴۵، تعداد جمعیت در روستاهای الوار سفلی از ۸۲۹ به ۳۲۱۸ نفر (حدود ۴ برابر)، باغ معروف

تحلیلی بر تأثیرات متقابل فضایی کلاشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی پیرامون با تأکید بر ... / ۱۷۷

از ۵۷۳ به ۶۲۸۳ نفر (حدود ۱۱ برابر)، خواجه دیزج، از ۵۶۴ به ۱۵۸۱ نفر (۲/۸ برابر)، شیخ حسن از ۴۷۸ به ۲۲۴۰ نفر (۴/۷ برابر)، کجاآباد از ۲۱۱۰ به ۵۶۶۱ نفر (۲/۷ برابر)، کرکج از ۶۱۰ به ۸۲۲۸ نفر (۱۳/۵ برابر) کندرود از ۱۳۴۰ به ۷۹۵۹ نفر (۵/۹ برابر) و نعمت آباد از ۶۴۸ به ۲۰۲۰ نفر (۳/۱ برابر) افزایش یافته است. در کل میانگین افزایش جمعیت حدود ۶ برابر و حداقل و حداکثر آن به ترتیب در روستاهای کجاآباد و کرکج اتفاق افتاده است (نمودار شماره ۱).

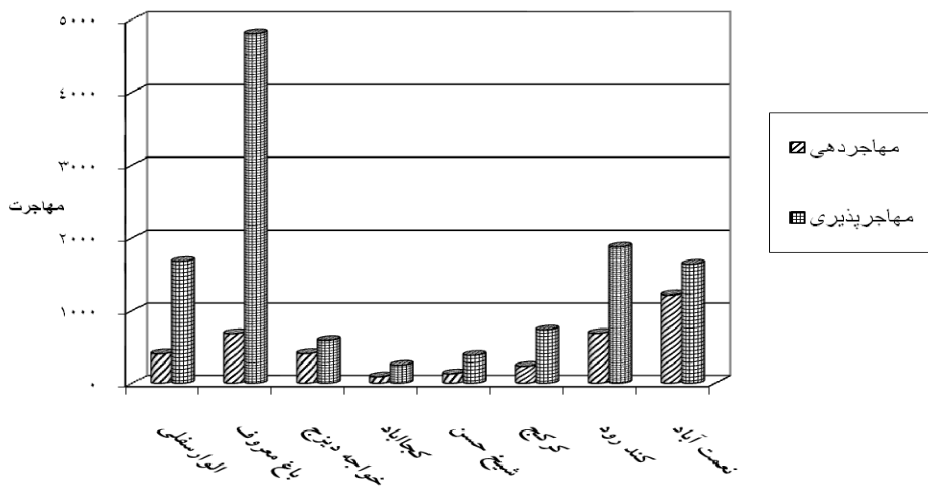


ماخذ: خانه بهداشت روستاها

بررسی روند تحولات خانوار نیز همانند تحولات جمعیت گویای روند افزایش آن است. به گونه‌ای که بین سالهای ۱۳۸۵-۱۳۴۵، تعداد خانوار در کل روستاهای مورد مطالعه از ۱۲۲۰ خانوار به ۹۳۷۰ خانوار (۷/۷ برابر) افزایش پیدا کرده است.

به طور کلی، روند تحولات افزایش جمعیت و خانوار در روستاهای مورد مطالعه، علاوه بر رشد طبیعی جمعیت، با مهاجرپذیری روستاها مرتبط است. براساس آمار خانه‌های بهداشت روستاهای مورد مطالعه، طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۰ تعداد مهاجر فرستی و مهاجر پذیری روستاها به ترتیب در روستاهای الوار سفلی، ۴۱۶ و ۱۶۷۷، باغ معروف ۶۸۴ و ۴۸۰۷، خواجه دیزج ۴۱۰ و ۷۱۲، شیخ حسن ۳۲۴ و ۱۰۰۶، کجا آباد ۱۱۹ و ۲۸۲، کرکج، ۴۱۹ و ۱۷۵۸، کند رود ۶۸۸ و ۲۴۴۸ و نعمت آباد ۱۲۰۳ و ۱۶۳۸ بوده است. در کل، روستاهای مورد مطالعه، در مقابل ۴۲۶۳ مهاجردهی ۱۴۳۲۸ مهاجرپذیری را شاهد بوده‌اند (نمودار شماره ۲). نکته شایان ذکر اینکه نوع و وضعیت مهاجرت تمامی مهاجران به صورت درون کوچی جمعی و نیز قطعی دایم بوده است.

نمودار شماره ۲: تعداد مهاجر فرستی و مهاجرپذیری در روستاهای مورد مطالعه



ماخذ: خانه بهداشت روستاها

با روشن شدن این واقعیت که روستاهای مورد مطالعه از تحولات جمعیتی و به ویژه مهاجرپذیری درخور توجهی برخوردارند، اکنون این سوال مطرح می‌شود که چه عواملی در این امر نقش دارند؟ به نظر می‌رسد، دقت و تأمل در موضوعاتی چون: مبدا مهاجرت، علل مهاجرت، نوع و محل اشتغال مهاجران و امکانات و تسهیلات حمل و نقل در این خصوص راهگشا باشد.

نتایج مطالعه نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵۳ خانوار مهاجر مورد مطالعه، مبدا مهاجرت ۵۳/۸ درصد را کلانشهر تبریز و ۳۰/۸ درصد را نیز، دیگر شهرها و روستاهای استان آذربایجان شرقی (بستان آباد، هشترود، مرند، اهر و ورزقان و...) تشکیل می‌دهند. گفتنی است، مبدا مهاجرت ۱۴/۶ درصد مهاجران، دیگر استان‌های ایران (آذربایجان غربی، اردبیل، تهران، کردستان، قم و اصفهان) و در ۰/۸ درصد بقیه نیز کشورهای افغانستان و آذربایجان بوده است (جدول شماره ۱). نکته شایان ذکر اینکه، تدقیق در محل تولد مهاجران این واقعیت را نشان می‌دهد که درصد بالایی از مهاجران منشأ شهری داشته‌اند. به طوری که محل تولد ۴۴/۷ درصد از مهاجران را کلانشهر تبریز و ۲۶/۵ درصد را نیز شهرهای بستان آباد (۹/۹ درصد)، هشترود (۴/۷ درصد)، مرند (۲/۸ درصد)، اهر (۷/۵ درصد) و ورزقان (۱/۶ درصد) واقع در استان آذربایجان شرقی به خود اختصاص می‌دهد. به عبارت دیگر، ۷۱/۲ درصد مهاجران از شهرهای مختلف استان به روستاهای مورد مطالعه مهاجرت کرده‌اند. شایان ذکر است، محل تولد ۱۱/۱ درصد مهاجران را روستاهای مختلف استان آذربایجان شرقی تشکیل می‌دهد که از این میزان، حدود نیمی از آنها (۴/۷ درصد) مربوط به مهاجرانی است که روستاهای دیگر مورد مطالعه را برای اسکان خودانتخاب کرده‌اند. به عبارت دیگر، در روستاهای مورد مطالعه جابه جا شده‌اند. علاوه بر موارد مذکور، محل تولد ۱۶/۹ درصد مهاجران، دیگر استان‌های ایران و ۰/۸ درصد بقیه نیز کشورهای افغانستان و آذربایجان بوده است (همان جدول).

جدول شماره ۱: توزیع درصد درون کوچان بر اساس مبدأ مهاجرت و محل تولد

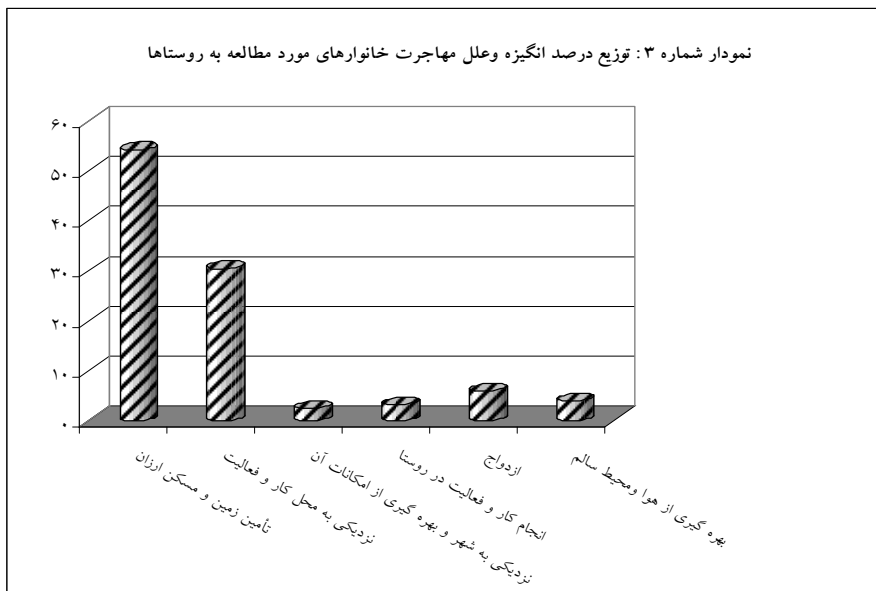
محل تولد		مبدأ مهاجرت		نام محل
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴۴.۷	۱۱۳	۵۳.۸	۱۳۶	شهر تبریز
۹.۹	۲۵	۶.۷	۱۷	شهرستان آباد
۴.۷	۱۲	۵.۹	۱۵	شهر هشترود
۲.۸	۷	۳.۵	۹	شهر مرند
۷.۵	۱۹	۳.۲	۸	شهر اهر
۱.۶	۴	۲.۴	۶	شهر ورزقان
۱۱.۱	۲۸	۹.۱	۲۳	روستاهای مختلف استان آذربایجان شرقی
۱۶.۹	۴۳	۱۴.۶	۳۸	دیگر استانها
۰.۴	۱	۰.۴	۱	کشور افغانستان
۰.۴	۱	۰.۴	۱	کشور آذربایجان
۱۰۰	۲۵۳	۱۰۰	۲۵۳	جمع

مأخذ: مطالعات میدانی

اما در خصوص علل مهاجرت درون کوچان، نتایج بررسی نشان می‌دهد که علت مهاجرت ۵۴/۲ درصد از مهاجران، تأمین زمین و مسکن ارزان در روستاها بوده است. نزدیکی به محل کار و فعالیت به عنوان دومین عامل از طرف آنها مطرح شده است (۳۰/۴ درصد). نزدیکی به شهر و بهره‌گیری از امکانات آن (۲/۴ درصد)، انجام کار و فعالیت در روستا (۳/۲ درصد)، ازدواج (۵/۹ درصد) و بهره‌گیری از هوا و محیط سالم روستا (۳/۹ درصد) از دیگر عوامل تأثیر گذار بر مهاجرت خانوارهای مورد مطالعه بوده است (نمودار شماره ۳). به طوری که مشاهده می‌شود، دو عامل "تأمین زمین و مسکن ارزان" و "نزدیکی به محل کار و فعالیت" با ۸۴.۶ درصد، مهمترین عوامل تأثیر گذار بر مهاجرت مهاجران بوده‌اند. ناگفته پیداست که در انتخاب روستاها برای اسکان به دلیل

نزدیکی به محل کار و فعالیت، عامل "وجود زمین و مسکن ارزان در روستا" بی‌تأثیر نبوده است، چرا که محل کار و فعالیت اغلب مهاجران کلان شهر تبریز بوده (۵۲.۴ درصد) و به علت گران بودن زمین و مسکن در شهر مزبور، به ناچار روستاها را برای اقامت خودانتخاب نموده‌اند.

بالا بودن درصد شاغلان خانوارهای مهاجر در فعالیت‌های مرتبط با خدمات (۶۷.۳ درصد) و صنعت (۲۶.۳ درصد) و به ویژه اشتغال بالغ بر ۵۳.۲ درصد آنها در کلانشهر تبریز بر تأثیرگذاری هرچه بیشتر دو عامل فوق؛ یعنی "تأمین زمین و مسکن ارزان" و "نزدیکی به محل کار و فعالیت" بر انجام مهاجرت معکوس به روستاهای خوابگاهی تأیید می‌کند. شایان ذکر است استقرار و گسترش مراکز کار و فعالیت (و به ویژه کارخانه‌ها و کارگاه‌های متعدد صنعتی) و فراهم شدن فرصت‌های شغلی فراوان در حد فاصل شهر مزبور و روستاهای مورد مطالعه نیز از عوامل مؤثر بر جمعیت پذیری روستاها و اسکان در آنها بوده است. گفتنی است از کل شاغلان خانوارهای مهاجر مورد مطالعه تنها ۶.۴ درصد در امر کشاورزی مشغول به کار بوده‌اند.



ماخذ: مطالعات میدانی

با توجه به موارد فوق و به ویژه مباحث مربوط به مهاجرپذیری روستاها و نیز نوع اشتغال و محل اشتغال سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه، این واقعیت روشن می‌گردد که ارتباط تنگاتنگ و بسیار نزدیکی بین کلانشهر تبریز و روستاهای مورد مطالعه وجود دارد. در این میان از جمله عواملی که بر تقویت این ارتباط تأثیر گذار است، همانا وجود شبکه‌های ارتباطی مناسب در منطقه است. از آنجایی که روستاهای مورد مطالعه، از جمله روستاهای بلافصل کلانشهر تبریز بوده و تمامی آنها به وسیله شبکه‌های ارتباطی مناسب به آن متصل می‌شوند، لذا امکانات ایاب و ذهاب و حمل و نقل قابل قبولی در روستاهای مزبور فراهم گردیده است به گونه‌ای که از هشت روستای مورد مطالعه، روستاهای الوارسفلی و خواجه دیزج در نزدیکی جاده ترانزیتی تبریز- مرند، شیخ حسن، باغ معروف و کجا آباد در نزدیکی جاده ترانزیتی تبریز- آذرشهر و کرکج، کند رود و نعمت آباد در نزدیکی جاده ترانزیتی تبریز- تهران و به فاصله حداقل ۵ و حداکثر ۱۵ کیلومتری کلانشهر تبریز قرار گرفته‌اند. شایان ذکر است، به دلیل استقرار مجتمع‌های صنعتی بزرگ و کوچک و نیز واحدهای خدماتی متعدد در اطراف این شبکه‌های ارتباطی و حد فاصل کلانشهر تبریز و روستاهای مورد مطالعه، شبکه‌های مزبور از کیفیت مطلوبی برخوردار هستند.

فاصله اندک روستاها با شهر تبریز و به ویژه برخورداری از شبکه‌های ارتباطی مناسب، دقت در عواملی چون: مبدا مهاجرت، نوع اشتغال و بویژه محل اشتغال سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه، همگی بر وجود ارتباط تنگاتنگ و بسیار نزدیک بین کلانشهر تبریز و روستاهای مورد مطالعه تأیید می‌کند. نتایج حاصل از بررسی تعداد مسافرت و آمد و شد سرپرستان خانوارها بین شهر تبریز و روستاهای مورد مطالعه این موضوع را به صورت واضح تر منعکس می‌کند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که ۹۰۲ درصد سرپرستان مهاجر حداقل یک و حداکثر سه بار در هفته بین روستا و کلان شهر تبریز آمد و شد می‌کنند. این میزان در بین سرپرستانی که چهار و یا پنج بار در هفته مسافرت می‌کنند به

تحلیلی بر تأثیرات متقابل فضایی کلانشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی پیرامون با تأکید بر ... / ۱۸۳

ترتیب برابر ۱۹.۳ و ۱۵.۰ درصد و در بین سرپرستانی که شش بار در هفته مسافرت می‌کنند ۱۱/۵ درصد است. نکته قابل توجه اینکه ۴۵.۰ درصد سرپرستان مورد مطالعه در طول هفته هفت بار و یا بیشتر بین روستا و شهر تبریز مسافرت می‌کنند (نمودار شماره ۴).



مأخذ: مطالعات میدانی

با توجه به اینکه از عمده علل انجام مهاجرت معکوس به روستاهای مورد مطالعه "نزدیکی به محل کار و فعالیت" و "نزدیکی به شهر و بهره‌گیری از امکانات آن" بوده است، لذا دقت در علل مسافرت سرپرستان خانوارهای مهاجر به شهر تبریز، این موضوع را به خوبی منعکس می‌سازد، چرا که، ۵۹.۳ درصد سرپرستان با هدف کار و فعالیت و ۱۹.۰ درصد نیز با هدف استفاده از خدمات شهری بین روستا و شهر تبریز مسافرت می‌کنند. گفتنی است، مسافرت با هدف دید و باز دید نیز ۲۱/۷ درصد را به خود اختصاص می‌دهد. با توجه به اینکه مبدا مهاجرت درصد بالایی از مهاجران را کلانشهر تبریز

تشکیل می‌دهد، لذا انجام مسافرت با هدف دید و باز دید خویشان و وابستگان و آن هم با در صد بالا بسیار طبیعی است.

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

به طور کلی، روند افزایش جمعیت در روستاهای مورد مطالعه علاوه بر رشد طبیعی، عمدتاً ارتباط تنگاتنگی با مهاجر پذیری روستاها داشته است که این هم به دلیل قرارگیری آنها در نزدیکی کلانشهر تبریز بوده است. گفتنی است علاوه بر وجود تسهیلات حمل و نقل و جاده‌های ارتباطی مناسب، استقرار و گسترش مراکز کار و فعالیت و فراهم شدن فرصت‌های شغلی فراوان در حد فاصل شهر مزبور و روستاهای مورد مطالعه نیز از عوامل مؤثر بر جمعیت پذیری روستاها بوده است، چرا که شاغلان در این مراکز، نزدیکترین و در عین حال ارزانترین مکان را در مقایسه با کلانشهر تبریز برای اسکان خود برگزیده‌اند. بر این اساس است که سرپرستان خانوارها، تأمین زمین و مسکن ارزان و نزدیکی به محل کار و فعالیت را به عنوان مهمترین علل مهاجرت و اسکان در روستاهای مورد مطالعه بیان کرده‌اند، گفتنی است، بالا بودن درصد سرپرستان شاغل در فعالیت‌های مرتبط با خدمات (۶۷.۳ درصد) و صنعت (۲۶.۳ درصد) و به ویژه اشتغال بالغ بر ۵۳.۲ درصد آنها در کلانشهر تبریز، بر تأثیر گذاری هر چه بیشتر دو عامل "تأمین زمین و مسکن ارزان" و "نزدیکی به محل کار و فعالیت" بر انجام مهاجرت معکوس به روستاهای خوابگاهی صحنه می‌گذارد. علاوه بر موارد مذکور، سرپرستان خانوارها، نزدیکی به شهر و بهره‌گیری از امکانات آن، انجام کار و فعالیت در روستا، ازدواج و بهره‌گیری از هوای سالم روستا را از جمله دلایل تأثیرگذار بر انجام مهاجرت معکوس ابراز داشته‌اند.

نتایج بررسی نشان داد که مبدا مهاجرت ۵۳/۸ درصد مهاجران، کلانشهر تبریز و ۳۰.۸ در صد نیز، دیگر شهرهای استان آذربایجان شرقی (بستان آباد، هشترود، مرند، اهر و

ورزقان و...) بوده است. به عبارت دیگر، ۸۴.۶ درصد مهاجران از شهرهای مختلف استان به روستاهای مورد مطالعه مهاجرت کرده‌اند. مبدا مهاجرت بقیه مهاجران دیگر استان‌های ایران و یا کشورهای افغانستان و آذربایجان بوده است.

دقت در محل تولد مهاجران نیز این واقعیت را نشان داد که درصد بالایی از مهاجران منشأ شهری داشته‌اند. به طوری که محل تولد ۷۱/۲ درصد آنها شهرها و تنها ۱۱/۱ درصد روستاهای مختلف استان آذربایجان شرقی بوده است. علاوه بر موارد مذکور، محل تولد ۱۶/۹ درصد مهاجران، دیگر استان‌های ایران و ۰/۸ درصد بقیه نیز کشورهای افغانستان و آذربایجان بوده است.

در کل، نتایج حاصل از مطالعه، ضمن تأیید وجود ارتباط تنگاتنگ و بسیار نزدیک بین کلانشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی مورد مطالعه، بر تأثیرگذاری عواملی چون: نزدیکی روستاها به شهر، وجود شبکه‌های ارتباطی مناسب، امکان تأمین زمین و مسکن ارزان در روستا و نیز نوع و محل اشتغال سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه بر مهاجرت معکوس صحنه می‌گذارد.

۷- راهکارهای پیشنهادی:

- برای کاهش فشار وارده بر کلانشهر تبریز به لحاظ جمعیت و فعالیت، با حرکت از سیاست تمرکز زدایی و برقراری تعادل فضایی، ایجاد و توسعه شهرهای اقماری و یا شهرهای خوابگاهی کوچک در اطراف آن باید به عنوان عمده‌ترین استراتژی مورد توجه قرار گیرد. و در ضمن، باید سعی بر این باشد تا شهرک‌های مزبور صرفاً نقش خوابگاهی را نداشته و انتقال جمعیت به همراه انتقال مشاغل آنها صورت گیرد. بدیهی است این امر باعث کاهش مهاجرت‌های آونگی جمعیت جهت مراجعه به محل‌های کار و فعالیت که در حال حاضر عمدتاً در کلان شهر تبریز است، خواهد شد. علاوه بر این با ایجاد مراکز کار و فعالیت و مراکز خدماتی چون مراکز آموزشی، درمانی و رفاهی می‌توان مسیرهای

مهاجرتی را به جای شهر تبریز به شهرک‌های مزبور سوق داد. این امر ضمن کاهش مشکلات شهر تبریز، می‌تواند در رونق و دگرگونی روستاهای حوزه نفوذ و در نهایت در کاهش نابرابری‌های موجود بین آنها نیز مؤثر واقع شود.

گفتنی است از هشت روستای مورد مطالعه، روستاهای کند رود، کرکج و الوارسفلی مناسبترین شرایط را برای تبدیل به شهر اقماری و یا خوابگاهی دارا هستند، در مقابل روستاهایی چون باغ معروف، شیخ حسن، کجا آباد به جهت آلودگی بیش از حد (به علت قرار گیری تأسیسات و کارخانه‌های متعدد در شرق و وزش باد غالب از شرق روستاها) از شرایط مناسبی در این خصوص برخوردار نبوده و در صورت تبدیل به شهر اقماری و یا خوابگاهی و حتی در صورت ادغام با شهر تبریز با مشکلات زیست محیطی فراوانی دست به گریبان خواهند بود. در حال حاضر، اتخاذ تمهیدات لازم و بالاخص پیشگیری از جمعیت پذیری روستاهای مزبور ضروری می‌نماید.

- واقعیات عینی و تصورات ذهنی حاکی از آن است که انسان‌ها در مکان‌هایی سکنی می‌گزینند که به طور منظم با محل کار آنها در ارتباط باشد (اینگرام^{۱۲}، ۱۹۹۷، ۱۰۲۹) به عبارت دیگر، اسکان از اشتغال تبعیت می‌کند و توزیع فضایی جمعیت در توزیع فضایی اقتصاد گرد می‌آید. مگر آنکه ضرورت‌های سیاسی یا اجتماعی، به استثنا از این قاعده را موجب شود (اطهاری، ۱۳۶۸، ص ۱۰۲). بر این اساس، برای اشتغال زایی و کاهش نقش صرفاً خوابگاهی روستاها با توجه به محدودیت اشتغال زایی بخش کشاورزی ضرورتاً باید زمینه‌های شغلی جدیدی فراهم گردد تا از این طریق بتوان به تأمین زندگی مطلوب مهاجران اقدام کرد. ایجاد فعالیت‌های کوچک صنعتی و یا خدماتی، مطلوبترین حالت برای تنوع بخشیدن به فعالیت‌های روستایی و ایجاد مشاغل جدید و تکمیل در آن نقاط است. اینگونه فعالیت‌ها در صورت استمرار می‌توانند بخشی از جمعیت مهاجر را به خود جذب کنند و این امر در کاهش بخشی از مسائل کلانشهر تبریز می‌تواند کار ساز باشد؛

چرا که در حال حاضر محل اشتغال درصد قابل توجهی از مهاجران را شهر مزبور تشکیل می‌دهد.

منابع

- ۱- اطهری، کمال (۱۳۶۹). راهبردهای توسعه، راهبردهای شهرسازی و شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهر نشینی، شرکت عمران شهرهای جدید - تهران.
- ۲- جوان، جعفر. (۱۳۸۰). جغرافیای جمعیت ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ اول
- ۳- رهنمایی، محمد تقی. (۱۳۶۹). توسعه تهران و دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۶ صص ۵۳-۲۴.
- ۴- رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۲). روابط متقابل شهر و روستا با تأکید بر ایران، دانشگاه پیام نور - تهران.
- ۵- رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۱). بررسی سازمان یابی فضایی - مکانی سکونتگاهها و بهینه سازی آن در نواحی روستایی - تحقیقات جغرافیایی - شماره مسلسل ۴۴.
- ۶- سجادی، ژیلا، علی زاده، کتابون. (۱۳۸۰). بررسی یروابط مکانی، فضایی مادر شهرهای منطقه ای و مراکز جمعیتی پیرامون آنها، نشریه علوم زمین، نشریه دانشکده علوم زمین، شماره ۴ و ۵ - تهران-
- ۷- سلیمانی، مجید. (۱۳۸۱). دگرگونی روستاهای حاشیه شهرهای جدید صنعتی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره‌های ۶۶-۶۵ صص ۱۵۰-۱۲۷.
- ۸- سیف الدین، فرانک. (۱۳۷۸). فرهنگ واژگان برنامه ریزی شهری و منطقه ای - دانشگاه شیراز.
- ۹- شکویی، حسین. (۱۳۷۹). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۰- فرید، یداله. (۱۳۷۹). شناخت شناسی ومبانی جغرافیای انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند.
- ۱۱- فشارکی، پریدخت. (۱۳۷۵). جغرافیای روستایی، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- ۱۲- فشارکی، پریدخت. (۱۳۶۴). شهر گرایی روستا ومعیارهای تفکیک آن از شهر، مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی شماره ۱ بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
- ۱۳- کلارک، جان ای. (۱۳۸۱). اصول ومبانی جغرافیایی جمعیت، ترجمه دکتر مسعود مهدوی، چاپ پنجم نشر قوس.
- ۱۴- لوکاس دیوید، میر، پاول. (۱۳۸۱). درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه دکتر حسین محمودیان، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۵- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری نفوس ومسکن (۱۳۴۵).
- ۱۶- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری نفوس ومسکن (۱۳۸۵).
- ۱۷- نظری، عبدالحمید. (۱۳۷۷). بررسی گسترش فیزیکی - کالبدی سکونتگاههای روستایی با تأکید بر افزایش جمعیت و تغییر کاربری اراضی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره پیاپی ۴۹ و ۵۰ صص ۲۴۱-۲۲۵.
- ۱۸- نظریان، اصغر. (۱۳۷۰). گسترش فضایی شهر تهران وپیدایش شهرک‌های اقماری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۱، صص ۱۲۴-۱۱۷.

۱۹- نظریان، اصغر. (۱۳۶۴). سیر تحول روابط شهر و روستا در ایران، مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی شماره ۱، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.

- 20- Berry, B.J.L., 1979 . The Counterurbanization Process: nuban America since 1970 , in B.J.L.Berry (ed), Urbanization and Counterurbanization, Sage Publications , Beverly Hills : 17-30.
- 21- Champion , A(ed) , 1989 . Counterurbanization : the changing pace and nature of population deconcentration , Edward Arnold , London.
- 22- Hugo , G , 1989 . Population Mobility in West Java , Indonesia , PHD thesis , The Australian National University , Canberra .
- 23- Ingram, Gregory. K (1997) "Patterns of metropolitan development" carfax.Glasgow. volume 85, No7
- 24- Pacion , m 1985 , Rural Geography , Harpper and Row Publishers .
- 25- PAIII . R . F .(1965 a) . OP. cit . P. 75 .
- 26- Tumertekin , E, Ozguc, N 2004, beseri Cografya (Insan, Kultur, Mekan). Cantay. Yay. Istanbul.